



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



بزم حضور

حضرت آیت اللہ العظمیٰ صاحبی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بزم حضور: دفتر شعر رضوی

نویسنده:

آیت الله العظمی لطف الله صافی گلپایگانی

ناشر چاپی:

دفتر آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	بزم حضور: دفتر شعر رضوی
۷	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۴	حریم خدا
۱۴	اشاره
۱۴	آستان رضا
۱۶	سلطان دین
۱۹	شرح اشتیاق
۲۲	خاکسار دوست
۲۴	شادباش
۲۶	ولای رضا
۳۲	خاک پاک
۳۵	حریم خدا
۳۹	رضای رضا
۴۱	کعبه رضا
۴۴	خسرو ملک امکان
۴۷	آفتاب دین
۴۹	درودنامه
۵۰	توسل نامه
۵۳	بهشت لقا
۵۶	میقات وصل
۵۸	ولایت رضا
۵۸	جمال یار

۵۹	سعادت و ظفر
۵۹	بزم حضور
۶۰	دولت وصل
۶۰	حضرت دوست
۶۲	عرش کبریا
۶۲	اشاره
۶۴	مریم دوران
۶۸	اسوه عفاف
۷۲	طور حضور
۷۳	گوهر کمال
۷۶	مشهد لقا
۷۶	اشفعی لنا عندالله
۷۷	عرش کبریا
۷۷	مزار ولیه الله
۷۸	مهر معرفت
۷۹	آثار حضرت آیت الله العظمی صافی مدظله الشریف در یک نگاه
۹۱	درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه : صافی گلپایگانی، لطف الله، ۱۲۹۸ -

عنوان و نام پدید آور : بزم حضور: دفتر شعر رضوی / صافی گلپایگانی؛ به کوشش احمد کریمی.

وضعیت ویراست : ویراست ۲.

مشخصات نشر : قم: دفتر آیت الله العظمی شیخ لطف الله صافی گلپایگانی، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری : ۷۷ ص؛ ۱۴×۲۱ س م.

شابک : ۱۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۶۰۰-۵۱۰۵-۴۵-۲

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

یادداشت : چاپ قبلی: راسخون، ۱۳۸۴.

یادداشت : چاپ دوم.

عنوان دیگر : دفتر شعر رضوی.

موضوع : علی بن موسی (ع)، امام هشتم، ۱۵۳؟ - ۲۰۳ق. -- شعر

موضوع : معصومه (س) بنت موسی کاظم (ع)، ۱۸۳؟ - ۲۰۱ق. -- شعر

موضوع : شعر مذهبی -- قرن ۱۴

موضوع : شعر فارسی -- قرن ۱۴

شناسه افزوده : کریمی، احمد، ۱۳۵۳ -، گردآورنده

شناسه افزوده : دفتر آیت الله العظمی شیخ لطف الله صافی گلپایگانی

رده بندی کنگره : PIR۸۱۳۱ / الف ۷۳۳ ب ۴ ۱۳۹۰

رده بندی دیویی : ۱/۶۲۸

شماره کتابشناسی ملی : ۲۷۱۹۵۱۰

ص : ۱

اشاره

مجموعه اشعار پیرامون حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحیه و الثناء

آستان رضا

شهی که در گه او سجده گاه مرد و زن است

امان خلق، امین خدا ابوالحسن است

امام ثامن و ضامن، جهان عزّ و جلال

که ملجأ همگان در نوائب و محن است

سپهر علم و عمل، پاک از خطا و خطل

سرشته از کرم و جود و حجّت زمن است

ز نور طلعت او پرتوی بود خورشید

ز بوی تربت او ذرّه نافه ختن است

طواف مرقد او سیر در بهشت لقا

زیارت حرم او بهشت را ثمن است

مرا بس است همین افتخار و عزّت و شأن

که از ازل ز ولایش به گردنم رسن است

هزار سال سراید مدیحش ار «لطفی»

هنوز حرف نخستین و مطلع سخن است

شکوه عید غدیر اندر آستان رضا

نوید بخش نجات از شداید و فتن است

به هر کجا که روم جشن و شادی است و سرور

به هر که می نگریم ماه صورت و حسن است

برای خویش گزیده است هر کسی وطنی

مرا جوار ولی مرتضی علی وطن است

هر آنکه رفت به زیر لوای احمد و آل

رها ز غصّه دنیا و فکر ما و من است

مشهد مقدس، عید سعید غدیر ۱۴۰۹ ه. ق

بر آن سرم که کنم پاره مانع دیدار

برون جهم ز حصار طبیعت و پندار

به آب توبه بشویم صحیفه اعمال

به اشک چشم کنم پاک فطرت از زنگار

بر آن سرم که شوم آشنای عالم قدس

برون کنم ز دلم دوستی این مردار

بگیرم عبرت از اوضاع این سرای سپنج

که بهر کس نبود اندر آن مجال قرار

چه اعتماد بر این روزگار پر آشوب؟

چه اعتماد بر احوال گنبد دوار؟

سزاست آنکه نمایم تدارکِ مافات
به سوز حال ندامت به آه استغفار
به مدح حضرت سلطان دین امام رضا
به افتخار نمایم ولای خود اظهار
امین قادر سبحان، امان خلق زمان
سپهر مجد و کرامت، مکان عزّ و وقار
ولی ثامن و ضامن، خدایگان شرف
بزرگ ظلّ خداوند قادر جبار
امام مشرق و مغرب علی بن موسی
سلیل ختم رسولان، محمد مختار
غیاث عالمیان حجّت خدای جهان
قوام ملت و دین، نجل حیدر کزار
طواف مرقد او هست منتهی الامال
نگاه رحمت او هست مقصد ابرار
غبار خاک درش توتیای چشم ملک
ضیای قبه او شمع محفل احرار

فضائلش بود افزون ز قطره ی امطار

مناقبش بود افزون ز موج های بحار

ز آب جوی حریمش نمونه ای زمزم

ز بوی عطر رواقش نشانه مُشک تثار

به درگهش به تذلل نمایم استشفاع

ز روضه اش به ضراعت نمایم استنصار

ز حق به مشهد او باد رحمت و صلوات

ز ما درود و تحیات بی حد و بسیار

سؤال «لطفی صافی» ز حضرتش این است

که در شداید و احوال باشدش او یار

شوال ۱۴۱۱ ه. ق، اردیبهشت ۱۳۶۹

ص: ۱۱

الاباد صبا ای پیک عشاق

پیامی بر از این مهجور مشتاق

به سوی خطّه قدس خراسان

به طور پور موسی قطب امکان

به سوی مقصد پاکان و خاصان

به سوی قبله ارباب عرفان

به سوی کعبه اصحاب حاجات

به دار معجزات و خرق عادات

مکان علم و توحید و فضیلت

مقرّ پیکر پاک حقیقت

به درگاه رضا سبط پیمبر
غیاث خلق عالم، غوث اکبر
رواقش رشک فردوس برین است
هوایش مشک بیز و عنبرین است
رضا شاهنشہ ملک فضایل
ستوده سیرت و نیکو خصایل
جهان مکرمت، مصباح بینش
سپهر مرحمت، دریای دانش
امام مشرق و مغرب، شه دین
مکان عزّت و اجلال و تمکین
فروزان مهر پر نور ولایت
درخشان درّ دریای امامت
جمال الله و وجه الله اعظم
ولی الله و سرّ الله اقوم
سلامم را نما تقدیم کویش
مشام جان معطر کن ز بویش
بگو «لطفی» غمین و دل فکار است
جدا از روضه ات محزون و زار است

زهجرم آن چنان اندر تب و تاب
که ماهی آن چنان در خارج از آب
الا ای مظهر الطاف باری
ز درگاه تو خواهم رستگاری
خجسته در گهت باب نجات است
و ز آن خلق جهان را بس صلوات است
خوشا حال نکوی خادمانش
خوشا حال حضور زائرانش
خوشا آنان که آنجا در نمازند
خوشا آنان که در راز و نیازند
الا ای معدن لطف و عنایات
الا ای مرکز جود و کرامات
از این بار غم و این نار هجران
خلاصی ده مرا ای رکن ایمان
قبولم کن که سر تا پا خطایم
گدای کوی احسان شمایم

دوم شوال ۱۴۱۰ ه. ق

باز آمدم به طوس به شهر و دیار دوست

شهر شهادت و حرم مشکبار دوست

شهری که هست قبله عشاق و عارفان

شهری که هست مشتهر از اشتهار دوست

شهر وفا و طور لقا مشهد رضا

دارد شرافت از شرف و اعتبار دوست

ز آن طوس گشته شهره آفاق کاندر آن

گردیده دفن، پیکر پر افتخار دوست

می سوختم ز آتش سوزان هجر او

شکر آن که باز، کرد نصیبم جوار دوست

آب حیات و عمر ابد کی برابر است؟

با دولت حضور دمی در کنار دوست

امر جهان و نظم امور جهانیان

ز امر خدا است در کف با اقتدار دوست

صف بسته اند خیل ملائکک به احترام

در روضه مقدس گردون مدار دوست

ما را سخن زبیش و کم و هست و نیست، نیست

بگزیده ایم خط و ره اختیار دوست

من کیستم که در ره او جان فدا کنم؟

جانم فدای آنکه بود جان نثار دوست

جود و گذشت و مردی و ذره پروری

رحم و وفا و مهر و کرم هست کار دوست

تنها نه خاکسار در دوست گشته ام

من خاکسارم آنکه بود خاکسار دوست

در کفشداری حرم شاه دین رضا

من کفشدار آنکه بود کفشدار دوست

صفر المظفر ۱۴۱۰ ه. ق

ص: ۱۶

زما به حضرت سلطان دین امام رضا

هزار تهنیت و شادباش و مدح و ثنا

بزرگ حجّت حق هشتمین امام بحق

ظهور عزّت یزدان، شفیع روز جزا

امام مشرق و مغرب علی بن موسی

جهان دانش و بینش سپهر جود و سخا

عطا نمود خدایش یگانه فرزندی

که آسمان و زمین را ز بود او است بقا

قدم گذارد به عالم خجسته نوزادی

که زنده گشت ز یمن قدوم او دنیا

فرشتگان همه اندر مسرت و شادی

پر از شعار نشاط است عالم بالا

جهان ز نور جوادالائمه روشن گشت

گشوده شد در دیگر به سوی طور لقا

هزار سال بگوید مدیحش ار «لطفی»

هنوز شمه ای از مدح او نکرده ادا

رجب المرجب ۱۴۱۰ ه. ق

ص: ۱۸

ای حرمت قبله اهل وفا

خاک درت سجده گه اولیا

ای شرف مشعر و خیف و منی

بیت و حرم، زمزم و حجر و صفا

ای متجلی ز و جودت خدا

فرع وجود تو زمین و سما

حجت حق، سبط رسول امین

محور دین، معدن جود و سخا

رهبر کل، عالم آل نبی

مهر درخشان سپهر حیا

جان جهان، خلاصهٔ ماء و طین

نور مبین، سرور اهل ولا

امام ثامن، مه برج یقین

امان مردم، خلف مصطفی

روضهٔ تو رشک بهشت برین

بارگهت بارگه کبریا

به خالق بندهٔ فرمان پذیر

به ماسوا امیر و فرمان روا

صاحب آیاتی و ذوالمعجزات

مرکز احسانی و مهر و عطا

ای به تو مرجوع، امور جهان

حکم همایون تو حکم قضا

آگهی از حال همه مسلمین

ز وضع دوران و ز آشوب ها

دشمن مکار، زغرب و ز شرق

ریگن و گورباچفِ لینین ستا

به هر کجا بلاد اسلام را

نموده آماجِ سهامِ جفا

بین به افغان و به غزنین و بلخ

به کابل و شهر هرات از وفا

قشون ویرانگر و حشی روس

دشمن آزادی و دینِ خدا

به خاک و خون کشیده پیر و جوان

کودک و نوزاد و رجال و نسا

بین به لبنان و جنوبِ یمن

به قدس و بلغار و به افریقا

به شهر بغداد و دیار عراق

به کاظمین و نجف و کربلا

به مسقط و کویت و سودان و مصر

به مکه و مدینه و سوریا

به هند و کشمیر و به لاهور و سند

به خطّه بزرگ اندونزیا

به مُلک ترکیه و اسلامبول

به باکو و به تاشکند و داکا

به زنگبار و به اریتریا

اردن و سومالی و تانزانیا

به شهر صنعا و خلیج و قطیف

به مغرب و جزایر و لیبیا

به نیجریه و به تاجیک و ترک

به مالی و تونس و آلبانیا

به نیجر و گینه و بحرین و چاد

به ازبکستان و به مالیزیا

به هر بلاد و هر دیار دگر

که مسلمین را وطن است و سرا

بین که چون ز کید اعداء دین

تجزیه گردیده و از هم جدا

به هر کجا نظامی و حاکمی است

قد بر بیگانه نموده دو تا

نظامشان نظام اسلام نیست

کفر و فساد است از آن بر ملا

بین به ایران به پاخاسته

به مرکز ولای آل عبا

به نوجوانان فداکار آن

به قهرمانان قیام و وفا

به یاوران دین و شرع قویم

به شیعیان علی مرتضی

گذشته از جان و زن و مال و نام

گسسته از علائق ما سوا

ای سر خوبان و سپهر یقین

حافظ دین، شافع یوم الجزا

پناه اسلامی و اسلامیان

به اذن حق قدیر بر ما تشاء

ز مسلمین چشم عنایت مگیر

مگیر بر لغزش و تقصیر ما

ص: ۲۳

فتنه و شر گو همه عالم بگیر

ما و تمسک به ولای رضا

«لطفی صافی» و مدیح تو هست

قطره بر قلم بی انتها

پر کند از مدح و ثنا گر جهان

حقّ ثنای تو نسازد ادا

رهد ز اندوه و محن آنکه گشت

معتکف اندر سر کوی شما

بحر سخایید و امان الوری

غوث جهانید و لیوٹ الوغا

مشهد مقدس، یازدهم ذی الحجّه ۱۴۰۶ ه. ق

ص: ۲۴

دو قبر است در طوس نزدیک هم

یکی مرقد پاک خیر امم

سپهر وفا و مکان حیا

سرشته ز لطف و ز جود و کرم

امان الوری ضامن عاصیان

مه برج ایمان، ولی النعم

امام مبین رهبر مؤمنین

عدیل نبی فخر عرب و عجم

امامی که در رفعت قدر و شأن

بر افراشته فوق گردون علم

مؤید به او شرع پاک نبی
معظم از او بیت و حجر و حرم
ولی خدا حجّت دین پناه
خجسته خصال و ستوده شیم
غلام درش را نباشد نظر
به ملک سلیمان و کاووس و جم
تواند کند زنده عظم رمیم
به بوی و به موی و به رویش قسم
مزارش بود ملجأ خاص و عام
وصالش بود رافع هم و غم
علی بن موسی الرضا شاه دین
مهین پیشوای ملائیک خدم
دگر قبر هارون ملعون که هست
سر طاغیان، اصل شرّ و ستم
چو این قرب در صورت و ظاهر است
نشد قبر هارون از آن محترم

نگردید از قرب رجس پلید

ز قدر امام زکی، هیچ کم

به هارون همه لعن و نفرین کنند

رضا را ببوسند خاک حرم

به پیغمبر و آل، دائم درود

به اعدایشان لعن حقّ دم به دم

صفر المظفر ۱۴۱۰ ه. ق

ص: ۲۷

حریم خدا

خدا را حریمی است اندر خراسان
که هر کار مشکل در آن سازد آسان
حریمی ظهور عنایات الله
حریمی به رفعت فراتر ز کیهان
کمال ابد اندر آن در تجلی
جمال ازل اندر آنجا نمایان
حریمی چو کعبه مطاف خلائق
از آن آفتاب حقیقت فروزان
گدای درش را بود بی نیازی
ز حور و قصور و ز غلمان و رضوان

حریمی که از قبه پر فروغش
بود در ترق، نور تا عرش رحمان
هوایش چو خلد برین روح افزا
نسیمش نشاطآور و عنبر افشان
حریمی همه فیض بی حد باری
حریمی همه رحمت و روح و ریحان
رواقش بود رشک فردوس اعلا
جنابش بود قبله اهل عرفان
براهیم و نوح و مسیحا و موسی
در آنجا نشستند بر خوان احسان
زمین بوس او صبح و شب، ماه و خورشید
بر رتبه اش پست مریخ و کیوان
از آتش بود این همه شأن و عزت
وز آن یافت این احترام فراوان
که شد مدفن پور موسی بن جعفر
در آن آرمیده است ناموس یزدان

خداوند مُلک کمال و فضایل

امام مبین، کشف دین، اصل ایمان

به اسرار تنزیل و تأویل آگه

به احکام حق، رهنما و نگهبان

زمین و زمان و همه مُلک هستی

به امر خدایش بود زیر فرمان

سپهر معالی و روح معانی

علی بن موسی الرضا قطب امکان

به خلق است حجّت ز سوی خداوند

به خالق وجودش دلیل است و برهان

ایا عالم آل و قرآن ناطق

امین خدا یاور مستمندان

ایا قرّه العین طه و یاسین

ایا وارث علم و مجد نیاکان

تویی صاحب معجزات و کرامات

تویی شافع شیعیان و محبّان

اگر رو سیاه و گناهم بزرگ است

و گر صرف گردیده عمرم به خسران

به «لطفی» ز لطف شما این عجب نیست

شماریدش اندر ردیف غلامان

به هنگام مرگ و در احوال دیگر

شفاعت نماید زین غرق عصیان

مشهد مقدس، ۲۸ ذی القعدة الحرام ۱۴۰۷ ه. ق

ص: ۳۱

سگم پاسبان سرکوی دوست

ز مهرش مرا پُر رگ و پیه و پوست

علی بن موسی امام مبین

که نزدش ز حق رازهای نکوست

سلیل نبی مهتر شیخ و شاب

که گلزار دین را از او رنگ و بوست

غیاث ملل پیشوای امم

خدای جهان را ید و عین و روست

امان الوری رهبر دین پناه

که مخصوص لطف و عنایات هوست

ولی خدا آنکه دین را از او
بسی عزّت و شوکت و آبروست
گرفته است صیت علّوش جهان
چو جدّش پیمبر به خلق و به خوست
عطایش به بارش چو ابر بهار
به هر شهر و هر مملکت کو به کوست
چه قهر و بلا و چه لطف و عطا
به ما آنچه او می پسندد نکوست
مرا از جهان و از این و از آن
رضای رضا بهترین آرزوست
به این سگ اگر لطف کرد و کرم
نباشد عجب چون کرم کار اوست
مشهد مقدس، ۴ ربیع الثانی ۱۴۱۹ ه. ق

بیا که قبله دل، کعبه رضا اینجاست

بیا که مشرق انوار کبریا اینجاست

بیا به طور تجلی بیا به بزم حضور

بیا که معنی والشمس و والضحی اینجاست

دری که هر که بساید به آستانش سر

ز رنج و محنت و غم می شود رها اینجاست

اگر که ملتجی و مضطر و پریشانی

بیا که مقصد ارباب التجا اینجاست

بیا به عرض نیاز و ادب که ز امر خدا

کسی که تابع حکمش بود قضا اینجاست

به هوش باش در این آستان عرش نشان
که رکن دین خدا، فخر ما سوا اینجاست
بیا که در گه شمس الشموس، رأس رئوس
که خلق راست به خلاق رهنما اینجاست
مزار رهبر هشتم امان خلق جهان
قویم عروه دین مشهد لقا اینجاست
به پای عجز و به حال خلوص در آی
به این حرم که سرچشمه بقا اینجاست
بیا به روضه رضوان و وادی ایمن
بیا که حجر و حجر، زمزم و صفا اینجاست
دهید مژده به بیمار و دردمند غمین
که آنکه هست به درد و مرض شفا اینجاست
جمال صبح ازل، نور دیده حیدر
سلیل خیر رسل ختم انبیا اینجاست
امام ثامن ضامن علی بن موسی
بزرگ حجت حق، آیت خدا اینجاست

بیا بیا و طلب کن هر آنچه می خواهی

که منبع کرم و معدن سخا اینجاست

بیا چو «لطفی صافی» بگو به بانگ رسا

بیا که روضهٔ سلطان دین رضا اینجاست

به گوش «لطفی صافی» سروش غیب، سرود

بیا که روضهٔ سلطان دین، رضا اینجاست

۱۶ جمادی الثانی ۱۴۲۱ ه. ق

ص: ۳۶

خسرو ملک امکان

امام به حق، خسرو ملک امکان

ولی خدا، معدن جود و احسان

طفیل وجودت همه آفرینش

نگهدار دین و نگهبان قرآن

مهین بضعه مصطفایی که هستی

امین خدا یاور مستمندان

علی بن موسی الرضا قطب عالم

امان جهان و ملاذ محبتان

ولایت بود رکن ایمان و بغضت

عذاب جحیم است ونیران و خسران

ص: ۳۷

حریمت بود قبلهٔ اهل حاجات

رواقت بود کعبهٔ اهل عرفان

به درگاهت ای رهبر و هادی خلق

مرا شکوه‌ها هست از وضع دوران

جنایات روسیه و آمریکا

فزون گشته از حد به خلق مسلمان

الا ای امام رئوف مؤید

بین بر عراق و فلسطین و لبنان

الا ای مه آسمان ولایت

برون آراز آستین، دست یزدان

به خلق چچن بین و کشمیر و بحرین

به مصر و به تاجیک و قرقیز و افغان

بزن گردن یلتسین و کلینتون

بکن ریشهٔ جور و طغیان و عدوان

ز ظلم طواغیت شرقی و غربی

شده تیره چون شام، روز ضعیفان

زایران بلند است آوای تکبیر

بلند است اعلام اسلام و ایمان

هلا ای گنه کار پژمرده احوال

رسان خویشان را به این باب غفران

در این روضه از رحمت بی نهایت

نگردد امیدی مبدل به حرمان

من روسیاه و گنه کار و افگار

ز کردار بد سخت باشم پشیمان

به لطف تو امیدوار است «لطفی»

که تا دردهایش کنی جمله درمان

بیایی به سر وقت او وقت مردن

در آن حالت هولناک و پریشان

به هنگام تشرف به زیارت حضرت ثامن الائمه علیهم السلام توسلاً به آستان فرشته پاسبان آن امام عطوف رثوف سروده شد و در غزه ربیع المولود ۱۴۰۶ در حرم مطهر در محضر آن حضرت، عرض شد.

ای مهین ولی خدا پادشاه کشور دین
آفتاب چرخ شرف، رهنمای اهل یقین
مرقدت مطاف فلک، مرکز نزول ملک
آستان اقدس تو رشک آسمان برین
ما سوا به تو محتاج، عالم از شما باقی
ای به یزم قرب خدا، مقتدا و صدر نشین
ریزه خوار خوان شما هم گدا و هم سلطان
زنده از نوال شما هم غنی و هم مسکین
ای به دردها درمان و ای به زخم ها مرهم
کرده حق سرشت مرا با ولایت تو عجین

بر من ضعیف تر از حقیر از کرم نما نظری

بیش از این مخواه مرا خسته و فگار و غمین

چون شود اگر که شوم مورد نوازش تو؟

بحر جود و احسانی من ذلیم و مسکین

حق جده ات زهرا حق شاه مظلومان

یک دم از عنایت و لطف، بر من فتاده ببین

حال من پریشان است ذنب من فراوان است

غرق بحر عصیانم مانده ام به رنج قرین

چشم ما به سوی شما است ثامن الحجج مددی

از درت مران ما را خوار و مستمند و حزین

مهر توست قرب خدا قهر تو عذاب الیم

آتش جهنم را حبّ تو در تسکین

از کرم قبول نما این سگّ محبان را

کز تذلل و خواری بر درت نهاده جبین

در سال ۱۳۸۳ قمری که یک اربعین، افتخار تشرف آستان قدس رضوی علی مشرفها آلاف التحیه والسلام، داشتم سروده شد.

صبا به روضه سلطان دین امام رضا

رسان سلام و تحیت، بگو دعا و ثنا

درود ما به همه خادمان این درگاه

که حق خدمت زوآر می کنند ادا

به احترام و به حُلق خوش و کمال ادب

نشان دهند خلوص و وفا و صدق و صفا

بلی عزیز و شریف است مَقدم زوآر

که میهمان امام اند از غنی و گدا

چه مشهدی است عظیم و چه مجمعی است جلیل

نشان حجر و حرم، مشعر حرام و صفا

جهت تکریم و تجلیل از خادمان مخلص و با صفای حرم مطهر حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه افضل التحیه و الثنا
سروده شد.

مشهد مقدس، عید سعید ولادت حضرت سید الشهداء، سوم شعبان ۱۴۲۷

سگم بر در آستان رضا

به درگاهش آورده ام التجا

کریم البرایا، امام الهدی

جزیر العطايا، ولی خدا

ملک پاسبان و فلک آستان

فرا تر ز کیهان و شمس و سما

نمود جلال و جمال ازل

نشان ابر قدرت کبریا

معظم حریمش چو بیت و حرم

مکرم رواقش چو طور ندا

براهیم و موسی و نوح و مسیح

در آن خواستار عطا و سخا

ابوالمعجزات و ابوالبینات

امان الوری ثامن الاوصیا

گل بوستان نبی و وصی

در بحر ایمان، مه اصطفای

ایا عالم آل و شمس الشموس

ایا خلق را ملجا و مقتدا

ولایت ز تو محکم اندر نفوس

امامت به تو پر جلا و بها

ز احوال و اوضاع این روزگار

شکایات دارم به پیش شما

بشر در جهان راه گم کرده است

فتادست در راه جهل و خطا

شده دین دگرگون و جهال دون

در آن می نمایند دخل و دغا

تظاهر نمایند بر منکرات

به موسیقی و تار و ساز و غنا

به یمن ظهور شه منتظر

سر سروران مصلح ماسوا

جهان پر نمایید از عدل و داد

نمایید مستکبران را فنا

بگیرید از خصم دون انتقام

درآرید عالم به دین خدا

ز احکام قرآن حمایت کنید

زدایید از ما غم و ابتلا

فزایید بر عزّ دین مبین

رهانید عالم ز جور و جفا

ز «لطفی صافی» شفاعت کنید

نجاتش دهیدش ز بند هوا

مشهد مقدس، ۲۳ شعبان المعظم ۱۴۳۱ ه. ق

ص: ۴۵

خوشا مشهد و آستان رضا

که می بالد از آن زمین بر سما

خوشا حال زوَار آن روضه ای

که تابان از آن است نور خدا

خوشا مقبلی کاندران جا ز صدق

بود در مناجات و ذکر و دعا

خوشا حال عشاق آن بارگاه

خوشا حال خدام فردوس جا

خوشا آنکه با قدسیان هم نوا

سراید در آن جا مدیح و ثنا

سلیل نبی مقتدای امم

جهان کرم رهبر اصفیا

سپهر معالی و مجد و شرف

امان الوری ثامن الاوصیا

به علم و به عرفان، چو جدش علی

ز دریای ایمان دُر اصطفی

کمالات او بی حد و بی شمار

مقامات او ارفع از ماسوا

جنابش مقدس چو بیت و حرم

مقام و مطاف و منی و صفا

سر کوی او بوستان وصال

رواق حریمش بهشت لقا

الا ای که بیماری و دردمند

بگیر از خداوند اینجا شفا

الا ای که محتاجی و مستمند

الا ای که هستی اسیر بلا

بخواه از خداوند، حاجات خویش

که گردد حوایج در اینجا روا

هزاران درود و هزاران سلام

ز «لطفی» به آن مفخر اولیا

امید آنکه از مهر و احسان او

بیخشند بر او گناه و خطا

در این بارگاه عطا و سخا

گدایم گدایم گدای رضا

مشهد مقدس، ۱۴۳۱ ه ق

ص: ۴۸

ای ملتجی به حضرت سلطان دین رضا

حاجات خود بخواه که گردد همه روا

برهان دین و عالم آل و امان خلق

مهر سپهر مکرمت و معدن وفا

عین خدا و دست خدا آیت خدا

نور خدا امین خدا حجت خدا

بر تن لباس قدس ولایت ز انما

بر سر به حکم پاک خدا تاج اصطفی

اندر کف کفایت او ز امر کردگار

تدبیر ملک و ملت و تنظیم ما سوا

فضلش عظیم و خلق کریم و عطا عمیم

ابر بهار رحمت و بخشایش و سخا
ز امر خدا مسخر او خیل کاینات
مخصوص او به حکم خدا تخت ارتضا
در روضه اش فرشته به آواز دلنواز
گوید مدیح و منقبت آل مرتضی
این مشهد عظیم بود مظهر ولا
میقات وصل باشد و محراب اصفیا
اندر رواق او پی تعظیم حضرتش
صف بسته اند جمیع ملایک چو اولیا
آید در آن به گوش ندای انا الاله
از بارگاه عزت و از طور کبریا
بر حضرت رسول به آتش ز ما درود
مدح و سلام و عرض عبودیت و ثنا
طی شد به حال غفلت اگر روزگار عمر
پر گشت نامه از گنه و جرم و از خطا
دارم امید آنکه شفاعت کند مرا
از راه لطف و مهر، ولی خدا رضا
۷ رمضان المبارک ۱۴۳۱ ه. ق

ولایت رضا

ما دولت تسلیم و رضا می طلبیم

راهی سوی اقلیم بقا می طلبیم

اندر دو جهان، عزّت و اقبال و نجات

از فیض ولایت رضا می طلبیم

مشهد مقدس، صفر المظفر ۱۴۱۰ ه. ق

جمال یار

درروضه دوست، آرمیدن چه خوشاست

در باغ وصال، میوه چیدن چه خوش است

اندر حرم فرشته دربان رضا

بی پرده جمال یار دیدن چه خوش است

مشهد مقدس، صفر المظفر ۱۴۱۰ ه. ق

ص: ۵۱

سعادت و ظفر

تا سایه الطاف رضا بر سر ماست
خورشید بسانِ ذره ای بر در ماست
تا چاکر آستانِ قدسش شده ایم
اقبال و سعادت و ظفر چاکر ماست
مشهد مقدس، صفر المظفر ۱۴۱۰ ه. ق

بزم حضور

عارف ز خدا می طلبد بزم حضور
عابد به عمل طلب کند حور و قصور
بر مطلب آن کجا رسد مطلب این
کان عین کمال است و بود این ز قصور
مشهد مقدس، صفر المظفر ۱۴۱۰ ه. ق

ص: ۵۲

دولت وصل

در حضرت دوست، غیر دیدن غلط است

حرف و سخن از غیر شنیدن غلط است

با دولت وصلش ار چه یک لحظه بُود

ملک و ملکوت را خریدن غلط است

صفر المظفر ۱۴۱۰ ه. ق

حضرت دوست

ماییم که از فنا بقا می خواهیم

خود از هوس و هوا جدا می خواهیم

از حضرت دوست ما لقا می خواهیم

در یک سخن از خدا، خدا می خواهیم

صفر المظفر ۱۴۱۰ ه. ق

ص: ۵۳

مجموعه اشعار پيرامون

حضرت فاطمه معصومه سلام الله عليها

يا فاطمه اشفعى لى فى الجنه

فان لك عند الله شأننا من الشأن

ص: ٥٥

ای دختر دین و خواهر ایمان

ای مهر سپهر دانش و عرفان

ای اسوه شرم و عفت و عصمت

الگوی وقار و حشمتِ نسوان

ای بنت امام هفتمین، موسی

آن معدن صبر و حجت یزدان

در چرخ وفا، تو مهرِ رخشنده

در برج حیا، تو اختر تابان

ای رونق دین احمد مرسل

ای پایه رفعت بر از کیوان

بر اوج شرف، مثالی از زهرا
در قدس مقام، مریم دوران
در باغ کمال، نوگل یاسین
واز بحر کرم، تو لؤلؤ و مرجان
فیض تو رسد به کهتر و مهتر
کان جلوه بود ز رحمت رحمان
آباء تو جمله رهبران خلق
عالیقدر و جلال و عالیشان
مهر تو به زخم ها همه مرهم
لطف تو به دردها همه درمان
دشواری کارها و سختی ها
از فیض عنایتت شود آسان
در وصف تو منطقم بود الکن
در قدر تو عقل واله و حیران
قم از تو شده است قبه الاسلام
فخرش به تو پایدار و جاویدان

میعاد تقرّب است و عشّ آل
کانون علوم بی حد قرآن
ای گوهر بحر رأفت و رحمت
ای عنصر جود، معدن احسان
بین «لطفی صافی» پریشان حال
سرگشته به تیه حسرت و خسران
طی کرده بهار عمر در غفلت
کرده است سیاه نامه از عصیان
از خوف گناه و هول روز حشر
چون بید، تنش همی بود لرزان
در خجالت از آن بود که در فردا
ظاهر شود آنچه کرده در پنهان
با این همه خواهد از شما کاحوال
گردد به شفاعت شما جبران
با حبّ محمّد و ولای آل
امید نجات دارد و غفران

بر احمد و آل، بی حد و بسیار

تسلیم و تحیات قادر سبحان

ص: ۶۰

زهی حرم که بود قبه اش سراج امم

زهی حرم که بر افلاک بر زده است علم

رواق آن به شرافت نمود بیت و مقام

زمین آن به فضیلت مثال حجر و حرم

نسیم آن همه جان پرور و نشاطانگیز

هوای آن همه آرام بخش درد و الم

زهی حرم که بود مرقد حبیبۀ حق

کریمۀ دو سرا بانوی فرشته خدم

جناب فاطمه دخت فواطم عظمی

ملاذ عالمیان و مطاف عُرَب و عجم

زنی چگونه زنی فخر بانوان جهان

زنی چگونه زنی کز خدا بود ملهم

زنی چگونه زنی پرتو جلال رسول

زنی چگونه زنی معدن سخا و کرم

زنی چگونه زنی سرو بوستان بتول

زنی چگونه زنی شبه هاجر و مریم

زنی چگونه زنی اسوه حیا و عفاف

سر سران و اکابر به پیشگاهش خم

ایا کریمه آل نبی و بیت ولی

ایا امینه پروردگار و غوث امم

ایا نهال برومند دوحه یاسین

نبی خصال و علی فطرت و ستوده شیم

تورا به اسم اعظم حق مصطفی رسول خدا

تورا به حق علی شاه دین پناه، قسم

تورا به عصمت زهرا و عزت حسنین

تورا به حضرت سجّاد، تیر اعظم

تو را به باقر و صادق، امام دین پرور

تو را به باب گرامیت ملجأ عالم

به حق رهبر هشتم، پناه خلق جهان

بزرگ حجت گیتی مدار، نور اتم

به نور دیده او حضرت جواد و نقی

به حق عسکری و حق رهبر خاتم

امام مهدی موعود، منجی گیتی

یگانه نخبه اولاد حضرت آدم

همان که پر کند از عدل و داد روی زمین

ز بعد آنکه شود پر ز ظلم و جور و ستم

به حال «لطفی صافی» نظر کنید که هست

ز هول روز قیامت اسیر غصه و غم

به مسلمین گرفتار در حجاز و عراق

که از جفای عدو روزشان بود مُظلم

عنایتی بنمایید و قاهرانه کنید

ز کعبه و ز حرم، قطع دست نامحرم

زنیذ ریشه صدامیان کافر کیش

تمامشان بفرستید در دیار عدم

دروود ما به رسول و به اهل بیت رسول

که هست منطق ما در مدیحشان ابکم

نصیب دشمن اسلام ضعف و سستی باد

نصیب لشکر دین خدا ثبات قدم

جمادی الاولی ۱۴۱۰

ص: ۶۴

این بارگه که خاک درش مُشکِ اذفر است

بویش چو بوی خلد برین روح پرور است

دارالشفا و عقده گشا و فرح فزاست

باب امان ز محنت فردای محشر است

طور حضور و مطلع نور و مطاف حور

آرامگاه دختر موسی بن جعفر است

خاتون دین پناه که برهان عزتش

هر صبح و شام، صیحه الله اکبر است

هر کس دری و خانه و راهی گزیده است

چشم امید «لطفی صافی» بر این در است [\(۱\)](#)

قم، ۱۰ جمادی الاولی ۱۴۱۰ ه. ق

ص: ۶۵

۱- (۱) این اشعار بر قسمت بالایی ضریح مطهر، حک شده است.

ای که دل افسرده و غمینی و مضطر

و ای که تو را روزگار کرده مکدر

خویش ز غم کن خلاص و گیر به اخلاص

رشته ای از چادر شفیعه محشر

بضعه خیرالنساء، صفتی یزدان

معدن جود و کرم، عزیز پیمبر

گوهر بحر کمال و حشمت و عصمت

اختر برج حیا، سلیله حیدر

طاهره و پاک، هم چو مریم عذرا

صاحب عز و شرف، حبیبه داور

مفخر قم عُشّ اهل بیت رسالت

شهر حدیث و محدّثین موقّر

منبع زهد و عفاف و دانش و بینش

مرکز ایمان و قدس و معرفت و فزّ

همچو پدر، قبله حوایج مردم

کارگشای بشر ز کهنتر و مهتر

روضه او طور طالبان تجلّی

مهد کرامات و معجزات مکرّر

خاک درش توتیای چشم خلائق

بوی رواقش حیات بخش و معطر

حُرمت آن، هم چو حرمت حرم و بیت

حجر و مقام و صفا و زمزم و مشعر

مرقد پاکش مطاف عالی و دانی

خطّ ولایش، شعار اکبر و اصغر

صاحب این نعت و این صفات نکو کیست؟

حضرت معصومه دخت موسی جعفر

ای فلک رفعت و سپهر معالی

ای شرف دودمان ساقی کوثر

ای همه اسلاف تو اعظم عالم

حجّت و پیغمبر و امام و رهبر

«لطفی صافی» ز هول روز قیامت

سخت غمین و پریش باشد و مضطر

چون پدر و چون برادرش به همه عمر

بوده شما را مدیح خوان و ثناگر

چشم امیدش بود به سوی شما باز

تا برهانش از جحیم مسعر

قم، ۱۰ جمادی الاولی ۱۴۱۰ ه. ق

ص: ۶۸

مشهد لنا

این روضه که مظهر آیات کبریاست
آرامگاه بانوی دین خواهر رضاست
مطلوب شیعیان و محبان اهل بیت
مقصود اهل دل بود و مشهد لقاست

اشفعی لنا عندالله

با روی سیاه و بار سنگین گناه
با خجالت و شرمساری و حال تباه
در حضرت معصومه گزیدیم پناه
یا فاطمه اشفعی لنا عندالله(۱)

ص: ۶۹

۱- (۱) این اشعار بر قسمت بالایی ضریح مطهر، حک شده است.

عرش کبریا

این روضه صفیه حق، خواهر رضاست
یا خود اگر غلط نکنم عرش کبریاست
معصومه بنت موسی جعفر که تربتش
بر دیده اعظم و اعلام تویاست

مزار ولیه الله

به قم که پایگه شیعیان آگاه است
مزار عصمت کبری ولیه الله است
ایا کسی که بر این آستانه سایبی سر
به هوش باش که دخت خلیفه الله است

ص: ۷۰

قبه ای کان جلوه ای از بارگاه کبریاست

پرتو آن نورافشان از زمین سوی سما است

قبه ناموس دین دخت امام هفتمین

کز بر فز و شکوهش فز گردون، کم بها است

حضرت معصومه مهر آسمان معرفت

در دریای کرامت، معدن شرم و حیا است

از طلا چون می توان بر قدر آن گنبد فزود

خاک راهش را شرف بر لعل و یاقوت و طلا است

به مناسبت تجدید طلاکاری گنبد مطهر روضه منوره فاطمه معصومه زاد الله تعالی فی شرفها و عرض تبریک به عالی محضر شیعیان و ارادتمندان اهل بیت علیهم السلام و زوار و خدام این حرم منور، و برای توسل به ذیل عنایات آن کریمه آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین این ابیات مرتجلاً سروده و تقدیم شد.

۱۲ ربیع المولود ۱۴۲۶ هجری قمری

ص: ۷۱

آثار حضرت آیت الله العظمی صافی مدظلہ الشریف در یک نگاه

نام کتاب --- زبان --- ترجمہ

فقہ

- ۱ --- فقہ الحج در ۴ جلد --- عربی ---
- ۲ --- القول الفاخر فی صلاہ المسافر --- عربی ---
- ۳ --- فقہ الخمس --- عربی ---
- ۴ --- التعزیر (احکامہ و ملحقاتہ) --- عربی ---
- ۵ --- ضرورہ وجود الحکومہ او ولایہ الفقہاء فی عصر الغیبہ (الخمس و ولایہ الفقیہ) --- عربی --- فارسی
- ۶ --- رسالہ فی معاملات المستحدثہ --- عربی ---
- ۷ --- التداعی فی مال من دون بینہ و لاید --- عربی ---
- ۸ --- رسالہ فی المال المعین المشتبه ملکیتہ --- عربی ---
- ۹ --- حکم نکول المدعی علیہ عن الیمین --- عربی ---
- ۱۰ --- ارث الزوجہ --- عربی ---
- ۱۱ --- مع الشیخ جاد الحق فی ارث العصبہ (مسألہ التعصیب) --- عربی ---
- ۱۲ --- حول دیات ظریف ابن ناصح --- عربی ---
- ۱۳ --- بحث حول الاستسقام بالالزام (مشروعیہ الاستخارہ) --- عربی ---
- ۱۴ --- الشعائر الحسینیہ --- عربی ---
- ۱۵ --- توضیح المسائل --- فارسی ---
- ۱۶ --- منتخب الاحکام --- فارسی ---
- ۱۷ --- احکام نوجوانان --- فارسی --- انگلیسی

- ۱۸ --- جامع الاحکام در ۲ جلد --- فارسی ---
- ۱۹ --- استفتائات قضایی --- فارسی ---
- ۲۰ --- استفتائات پزشکی --- فارسی ---
- ۲۱ --- مناسک حج --- فارسی --- عربی
- ۲۲ --- مناسک عمره مفرده --- فارسی --- عربی
- ۲۳ --- هزار سؤال پیرامون حج --- فارسی ---
- ۲۴ --- پاسخ کوتاه به ۳۰۰ پرسش در ۲ جلد --- فارسی --- آذری
- ۲۵ --- احکام خمس --- فارسی ---
- ۲۶ --- اعتبار قصد قربت در وقف --- فارسی ---
- ۲۷ --- هدایه العباد در ۲ جلد --- عربی ---
- ۲۸ --- هدایه السائل --- عربی ---
- ۲۹ --- حواشی علی العروه الوثقی --- عربی ---
- ۳۰ --- الرسائل الخمس فی فقه الإمامیه --- عربی ---
- ۳۱ --- أوقات الصلوه --- عربی ---
- ۳۲ --- آنچه هر مسلمان باید بداند ----- آذری
- اصول فقه

- ۳۳ --- بیان الاصول در ۳ جلد --- عربی ---
- ۳۴ --- رساله فی الشهره --- عربی ---
- ۳۵ --- رساله فی حکم الاقل و الاکثر فی الشبهه الحکمیة --- عربی ---
- ۳۶ --- رساله فی الشروط --- عربی ---

۳۷ --- رساله در احکام ثانویه --- فارسی ---

قرآن و تفسیر

۳۸ --- تفسیر آیه فطرت --- فارسی ---

۳۹ --- القرآن مصون عن التحریف --- عربی ---

۴۰ --- تفسیر آیه التطهیر --- عربی ---

ص: ۷۳

۴۱ --- تفسیر آیه الانذار --- عربی ---

عقاید و کلام

۴۲ --- عرض دین --- فارسی ---

۴۳ --- به سوی آفریدگار --- فارسی ---

۴۴ --- الهیات در نهج البلاغه --- فارسی ---

۴۵ --- داوری میان شیخ صدوق و شیخ مفید رحمه الله علیهما --- فارسی ---

۴۶ --- معارف دین در ۲ جلد --- فارسی ---

۴۷ --- پیرامون روز تاریخی غدیر --- فارسی ---

۴۸ --- ندای اسلام از اروپا --- فارسی ---

۴۹ --- نگرشی بر فلسفه و عرفان --- فارسی ---

۵۰ --- نیایش در عرفات --- فارسی ---

۵۱ --- سفرنامه حج --- فارسی ---

۵۲ --- شهید آگاه --- فارسی ---

۵۳ --- نوید امن و امان --- فارسی --- آذری

۵۴ --- پاسخ ده پرسش --- فارسی ---

۵۵ --- اصالت مهدویت --- فارسی ---

۵۶ --- تجلی توحید در نظام امامت --- فارسی --- عربی

۵۷ --- نظام امامت و رهبری --- فارسی ---

۵۸ --- ولایت تکوینی و ولایت تشریحی --- فارسی ---

۵۹ --- پیرامون معرفت امام --- فارسی ---

۶۰ --- عقیده نجات بخش --- فارسی ---

۶۱ --- به سوی دولت کریمه --- فارسی ---

۶۲ --- باورداشت مهدویت --- فارسی --- عربی

۶۳ --- انتظار، عامل مقاومت و حرکت --- فارسی ---

۶۴ --- فروغ ولایت در دعای ندبه --- فارسی --- عربی

۶۵ --- معرفت حجت خدا --- فارسی ---

ص: ۷۴

۶۶ --- وابستگی جهان به امام زمان --- فارسی ---

۶۷ --- توضیحات پیرامون کتاب عقیده مهدویت در تشیع امامیه --- فارسی --- انگلیسی

۶۸ --- امامت و مهدویت --- فارسی ---

۶۹ --- پیام های مهدوی --- فارسی ---

۷۰ --- گفتمان مهدویت --- فارسی --- انگلیسی

۷۱ --- العقیده بالمهدیه --- عربی --- فارسی

۷۲ --- من لهذا العالم؟ --- عربی ---

۷۳ --- گفتمان عاشورایی --- فارسی ---

۷۴ --- مقالات کلامی --- فارسی ---

۷۵ --- الاحکام الشرعیه ثابته لاتتغیر --- عربی ---

۷۶ --- الی هدی کتاب الله --- عربی ---

۷۷ --- ایران تسمع فتجیب --- عربی ---

۷۸ --- رساله حول عصمه الانبیاء و الائمة --- عربی ---

۷۹ --- تعلیقات علی رساله الجبر و القدر --- عربی ---

۸۰ --- لمحات فی الكتاب والحديث والمذهب --- عربی ---

۸۱ --- صوت الحق و دعوه الصدق --- عربی ---

۸۲ --- رد اکذوبه خطبه الامام علی (ع)، علی الزهرا (س) --- عربی ---

۸۳ --- مع الخطیب فی خطوطه العریضه --- عربی --- اردو/فرانسه

۸۴ --- رساله فی البداء --- عربی ---

۸۵ --- جلاء البصر لمن یتولی الائمة الاثنی عشر --- عربی ---

۸۷ --- حدیث افتراق المسلمین علی ثلاث و سبعین فرقه --- عربی ---

۸۸ --- مقدمات مفصله علی «مقتضب الاثر» و «مکیال المکارم» و «منتقى الجمان» عربی ---

۸۹ --- امان الامه من الضلال والاختلاف --- عربی ---

۹۰ --- احکام شرعی و مسئله تغییرناپذیری --- فارسی

۹۱ --- البكاء علی الامام الحسين (ع) --- عربی ---

۹۲ --- النقود اللطیفه علی الكتاب المسمى بالاخبارالدخيله --- عربی ---

حدیث

۹۳ --- منتخب الاثر در ۳ جلد --- عربی --- اردو/انگلیسی

۹۴ --- قبس من مناقب امیرالمؤمنین (ع) (مئه و عشر حدیث من کتب عامه) --- عربی فارسی

۹۵ --- احادیث الائمة الاثنی عشر، اسنادها و الفاظها --- عربی ---

۹۶ --- احادیث الفضائل --- عربی ---

۹۷ --- پرتوی از فضائل امیرالمؤمنین (ع) در ۱۱۰ حدیث از کتب اهل سنت --- فارسی

تاریخ

۹۸ --- سیرحوزه های علمی شیعه --- فارسی ---

۹۹ --- رمضان در تاریخ (حوادث تاریخی) --- فارسی ---

سیره

۱۰۰ --- پرتوی از عظمت امام حسین (ع) --- فارسی ---

۱۰۱ --- با عاشورایان --- فارسی ---

۱۰۲ --- آینه جمال --- فارسی ---

۱۰۳ --- از نگاه آفتاب --- فارسی ---

۱۰۴ --- اشک و عبرت --- فارسی ---

تربیتی

۱۰۵ --- عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق یا ماه مبارک رمضان --- فارسی ---

۱۰۶ --- راه اصلاح یا امر به معروف

و نهی از منکر --- فارسی ---

۱۰۷ --- با جوانان --- فارسی ---

شعر

۱۰۸ --- دیوان اشعار --- فارسی ---

۱۰۹ --- بزم حضور --- فارسی ---

۱۱۰ --- آفتاب مشرقین --- فارسی ---

۱۱ --- صحیفه المؤمن --- فارسی ---

۱۱۲ --- سبط المصطفی --- فارسی ---

۱۱۳ --- در آرزوی وصال --- فارسی ---

مقاله ها و خطابه ها

۱۱۴ --- حدیث بیداری (مجموعه پیام ها) --- فارسی ---

۱۱۵ --- شب پرگان و آفتاب --- فارسی ---

۱۱۶ --- شب عاشورا --- فارسی ---

۱۱۷ --- صبح عاشورا --- فارسی ---

تراجم

۱۱۸ --- زندگانی آیت الله آخوند ملا محمد جواد صافی --- فارسی ---

۱۱۹ --- زندگانی جابر بن حیان --- فارسی ---

۱۲۰ --- زندگانی بوداسف --- فارسی ---

ص: ۷۷

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه

اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

